

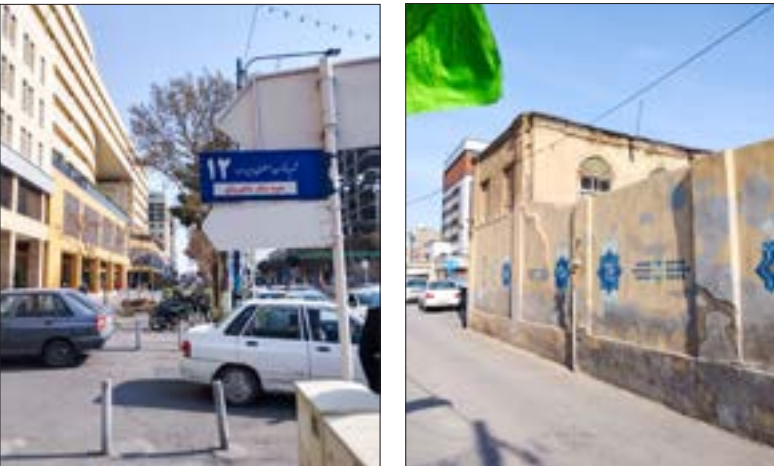
درباره کوچه شهید صفار شاهرودی که در گذشته، نخستین محل استراحت زائران و مسافران مشهد بود

جرس خاموش ساربان در کوچه ساربان‌ها

رضا سلیمان نوری ا کوچه ساربان‌ها که حالا روی تابلوهایش، «نواب صفوی ۱۲» و «شهید صفار شاهرودی» نوشته شده است، روزگاری نخستین باتوق و استراحت‌گاه کاروان‌های تجاری و زیارتی در مشهد بود. صدای زنگوله شترها، آهنگ همیشه کوچه‌ای بود که عطر بارهای ادویه و ابریشمشان، شهر را پر می‌کرد.
سوای این، مسافران غباربرتن‌نشسته کوی رضا^۱، همه، وقت رسیدن در این کوچه منزل می‌کردند؛ کوچه‌ای که خان‌ها و کاروان‌سراهایش، سرپناه همیشگی مسافران بود و امروز دیگر نشان آن کاروان‌سراها را فقط در نقشه‌ها و اسناد قدیمی می‌توان یافت؛ زیرا اکنون جای آن‌ها را بناهای بلند و مرتفعی به نام هتل یا مجتمع اقامتی گرفته است.

نام‌های کوچه ساربان‌ها در گذر زمان

مسافرت با شتر و به‌صورت کاروانی، پیش از پیدایش وسایل نقلیه ماشینی، سبب شده بود با ورود کاروان‌ها، دومین کوچه بعد از باروی مشهد و نخستین کوچه پس از کوچه سراسری «پشت‌بهره» از سمت دروازه پایین خیابان (مهم‌ترین دروازه مشهد در دوران پس از تبدیل آن به شهر تا ابتدای قرن چهاردهم خورشیدی) به محلی برای استقرار و زندگی ساربان‌ها(افرادی که کاروان‌های شتر را هدایت می‌کردند)تبدیل شود و به همین نام نیز شهرت پیدا کند.
این نام تا اواسط دهه۶۰ بر تابلوی ورودی کوچه ساربان‌ها از سمت پایین خیابان (نواب صفوی) نصب شده بود، اما پس از آنکه یکی از ساکنان کوچه در راه دفاع از خاک میهن به شهادت رسید، شهرداری وقت نام قدیمی کوچه را از تابلوی ورودی آن، پاک و نام شهید ساکن کوچه یعنی «شهید صفار شاهرودی» را جایگزین آن کرد. این وضعیت تا اواسط دهه۹۰ ادامه داشت و در این دوران و پس از حذف کامل برخی کوچه‌های قدیمی پایین خیابان در جریان طرح نوسازی پیرامون حرم مطهر رضوی، شهرداری بار دیگر نوشته تابلوی نصب‌شده در ابتدای کوچه را تغییر داد و این بار علاوه بر نام شهید صفار شاهرودی ۲، نام «نواب صفوی ۱۲ (پایین خیابان ۱۲)» را بر روی تابلوی کوچه نوشت؛ البته چون این کوچه جنوبی‌شمالی، ارتباط دهنده دو مسیر موازی خیابان نواب صفوی و کوچه قراولخانه یا شهید سالاری مقدم است، از سمت این کوچه نیز پلاک شهید سالاری مقدم ۷، بر دیوار آن نصب شده است.



نمای خانه از ثبت ملی خارج شده اردکانی

تابلو ابتدای کوچه از نواب صفوی

کوچه ساربان‌ها پس از انقلاب اسلامی

ساختمان‌راهبری کوچه ساربان‌ها در سال‌های نخست پیروزی انقلاب تا آغاز طرح نوسازی پیرامون حرم مطهر رضوی، تغییر مهمی نمی‌یابد، بااین حال در طول این دوران، بسیاری از خانه‌های مسکونی این محدوده، به دلیل افزایش سفر مردم به مشهد، به اماکن اقامتی تبدیل شده و کوچه از یک محدوده مشهدی‌نشین به کوچه‌ای با اکثریت ساکن غیرمشهدی(با سکونت موقت) تبدیل شده بود.
اجرای طرح نوسازی اطراف حرم امام‌هشتم^۲ در دهه ۷۰ قرن ۱۴ خورشیدی، سبب تغییر ماهیت کامل کوچه ساربان‌ها شده بود، به‌طوری‌که اکنون این کوچه را می‌توان به سه بخش مجزا از یکدیگر تقسیم کرد: بخش نخست کوچه که حدفاصل خیابان نواب صفوی تا ابتدای شهید صفار شاهرودی یک است، در احاطه پروژه‌های اجراشده اقامتی تجاری چند سال اخیر قرار دارد و دیگر هیچ ردی از کوچه قدیم ساربان‌ها در این محدوده دیده نمی‌شود.

بخش میانی کوچه(حدفاصل صفار شاهرودی یک تا ۳ از سمت غرب و صفار شاهرودی ۴ تا ۲ ازسوی دیگر) به چند پروژه در حال ساخت اختصاص دارد که با حصارهای فلزی محصور شده‌اند و رهگذران، امکان دیدن شرایط مکان‌های قرارگرفته در پشت این حصارهای فلزی را ندارند.
قطعه سوم کوچه، درست پس از این بخش محصور قرار دارد. در این قطعه برخلاف دو قطعه قبلی، زندگی معمولی جریان دارد و هنوز در تعدادی از پلاک‌های آن، مجاوران حضرت‌ثامن^۳ سکونت دارند.
در این محدوده علاوه بر خانه تاریخی اردکانی یا دولابیان – که با وجود خارج شدن از ثبت ملی هنوز چارچوب انتهای قاجاری خود را حفظ کرده است– یک خانه واجد ارزش دیگر هم حدفاصل کوچه‌های صفار شاهرودی ۳ و ۵ قرار دارد. این خانه را که مدتی است به حال خود رها شده است، می‌توان نماد بناهای ساخته‌شده در دهه‌های ابتدایی قرن چهاردهم خورشیدی (دوران تغییر ساختار کوچه از محل سکونت ساربان‌ها و اقامت کاروان‌ها) دانست. همچنین در مجاورت در قدیمی خانه اردکانی و در انتهای کوچه صفار شاهرودی ۷ که حدود پنج پله از سطح اصلی کوچه پایین‌تر است، ساختمان حسینیه «هیئت بقیه...الاعظم^۴»(مدافعان بقیع» دیده می‌شود که در وضعیت کنونی، مهم‌ترین بنای مذهبی کوچه صفار شاهرودی است.
سرانجام باید بگوییم در بخش شرقی تقاطع این کوچه ساربان‌ها با کوچه شهید سالازی مقدم، بوستان کوچکی را شهرداری ایجاد کرده است.



موقعیت کوچه ساربان‌ها بر روی نقشه دالمج

بنای ارزشمند:	بنای ارزشمند:	بنای مذهبی کوچه:	قدمت کوچه:
خانه تاریخی از ثبت ملی خارج شده اردکانی، خانه واجد ارزش پهلوی دوم در ابتدای کوچه صفار شاهرودی ۵	حاج حسین اردکانی، شیخ علی اکبر واعظ‌کرمانی مشهور به شیخ وریا، سید جلال رئیس‌السادات، احمد مرویان، حاجی دولابیان، حاجی صفار شاهرودی و استاد محسن میهن‌دوست	حسینییه «هیئت بقیه...الاعظم ^(ع) » مدافعان بقیع»	دوران صفوی
چهره‌های قدیمی کوچه:	بنای تفریحی و ورزشی:	شهید کوچه:	
حاج حسین اردکانی، شیخ علی اکبر واعظ‌کرمانی مشهور به شیخ وریا، سید جلال رئیس‌السادات، احمد مرویان، حاجی دولابیان، حاجی صفار شاهرودی و استاد محسن میهن‌دوست	بوستان سارا، بوستان روبه‌روی خانه اردکانی	شهید صفار شاهرودی	

کوچه ساربان‌ها تا پایان دوران قاجار

هرچند همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، قدمت کوچه ساربان‌ها باتوجه به برخی اسناد موجود به دوران صفوی بازمی‌گردد، به دلیل نبود نقشه کاملی از بافت شهر در دوران صفویه، نمی‌توان مشخص کرد که ساختار کوچه ساربان‌ها در آن دوران چگونه بوده است، البته به لطف دو نقشه‌بردار انگلیسی و آلمانی، یعنی دالمج و هرتسفلد، می‌توان تصویر درستی از کوچه در دو دوره زمانی میانه و انتهای حکومت قاجارها در ایران مشاهده کرد.
براساس آنچه دالمج بریتانیایی در سال ۱۲۴۸ ترسیم کرده، کوچه ساربان‌ها در میانه‌های حکومت ناصرالدین شاه قاجار بر ایران، سومین فرعی منشعب‌شده از سمت شمالی پایین خیابان بوده است. این کوچه در آن دوران برخلاف دو کوچه قبل از خود، بن‌بست نبوده و با یک شکست کوتاه در محدوده میانی خود، به کوچه قراولخانه آن دوران، ختم می‌شده است. کوچه ساربان‌ها در میانه قرن سیزدهم خورشیدی دارای سه فرعی شرقی، دو فرعی غربی و یک فرعی شمالی بوده که فرعی‌های دوم و سوم شرقی به کوچه «پشت‌بهره» و فرعی اول غربی به کوچه «حاج‌ابرام» ختم می‌شده است. ناگفته نماند که سه فرعی دیگر بن‌بست بوده‌اند.

مهم‌ترین بناهای آن دوران کوچه نیز، «حوض آب ساربان‌ها» و «تکیه نواب» بوده است. هرتسفلد نیز در نقشه سال ۱۲۴۳ خورشیدی خود، باتوجه به اینکه از ترسیم بیشتر کوچه‌های بن‌بست و همچنین بناهای شاخص خودداری کرده، چیزی بیشتر از دالمج ارائه نداده است. این امر البته یک موضوع مهم را بازگو می‌کند و نشان می‌دهد که ساختار کوچه ساربان‌ها در این بازه زمانی حدودا پنجاه و پنج‌ساله با وجود وقایع مختلف رخ داده همچون بروز مشروطه و به توپ بستن حرم مطهر رضوی توسط قوای روسیه تزاری، کاملاً حفظ شده است.



نمای خانه دارای ارزش تاریخی در میانه کوچه

کوچه ساربان‌ها در دوران پهلوی‌ها

تغییرات رقم‌خورده در بافت مرکزی شهر که در دوران نایب‌التولیه‌ای محمدولی اسدی آغاز شد و به‌دست جانشینان او ادامه پیدا کرد، اثر خود را در بافت کوچه ساربان‌ها (مانند بیشتر کوچه‌های قدیم مشهد) گذاشته است. همراه شدن این تغییرات با تحولات مهمی چون گسترش وسایل نقلیه، سبب بدون استفاده شدن بسیاری از ساختارهای موجود در کوچه ساربان‌ها و درنتیجه تبدیل شدن آن‌ها به سازه‌هایی مطابق نیاز وقت شد.

همین امر هم باعث شد برخی کوچه‌های فرعی جدید از کوچه ساربان‌ها منشعب شده، برخی کوچه‌ها نیز کور شوند. شاهد این ادعا، نقشه سال ۱۳۳۳ خورشیدی از مشهد است. کوچه ساربان‌ها در این نقشه در حالی دارای هشت فرعی شرقی است که تعداد فرعی‌های غربی آن مانند عهد ناصرالدین‌شاهی، همچنان دوتااست.

علاوه بر یک فرعی شمالی، یک فرعی جنوبی بن‌بست هم بر اثر تبدیل یکی از کاروان‌سراهای قدیم کوچه به چند پلاک مسکونی ایجاد شده است. ناگفته نماند که برخلاف دوران قاجار که یکی از فرعی‌های غربی به کوچه حاج‌ابرام متصل می‌شد، در این دوران هر دو فرعی غربی بن‌بست بودند. همچنین از هشت فرعی شرقی، تنها فرعی‌های دوم و پنجم بن‌بست نبودند و به کوچه پشت‌بهره متصل می‌شدند. درباره کاربری‌های کوچه در این دوره زمانی هم باید گفت که هرچه زمان جلوتر می‌رفت، پلاک‌های بزرگ کوچه که زمانی در قالب کاروان‌سرا و خان، میزبان مسافران مختلف و شترهای آنان بودند، به پلاک‌های کوچک‌تر مسکونی و گاه به مهمان‌پذیر تبدیل شده‌اند.

خاندان‌های شاخص کوچه ساربان‌ها

کوچه ساربان‌ها به دلیل قدمت شایان توجه خود، پذیرای خاندان‌های مشهور بسیاری بوده است. خانواده اردکانی و در رأس آن‌ها حاج حسین اردکانی، یکی از خاندان‌های شناخته‌شده کوچه کاروان محسوب می‌شوند. حاجی اردکانی که هنوز خانه مسکونی‌اش در این کوچه باقی است، مالک یکی از کاروان‌سراهای معروف پایین خیابان بوده است. خانواده دولابیان نیز که از اواسط دهه۵۰، خانه حاج حسین اردکانی را خریدند و هنوز هم مالک آن محسوب می‌شوند، دیگر خانواده معروف ساکن در کوچه یادشده هستند.
روژه خانگی این خانواده از همان نخستین سال سکونتشان در این محل تا آغاز کرونا تعطیل نشد. همچنین ورثه شیخ علی اکبر واعظ‌کرمانی از ساکنان قدیمی کوچه ساربان‌ها هستند. شیخ علی اکبر به دلیل اینکه هیچ‌گاه روی منبر ننشست و همیشه به‌صورت ایستاده به وعظ و خطابه می‌پرداخت، به «شیخ‌وری» معروف شده بود. همچنین باید از خانواده رئیس‌السادات نام برد که بزرگ آنان، سید جلال رئیس‌السادات، با خرید خانه از خانواده شهید صفار شاهرودی، ساکن این کوچه شد و در طول سال‌ها، هر چهارشنبه مردم برای شنیدن روضه در منزلش جمع می‌شدند. سرانجام باید از مرحوم استاد محسن میهن‌دوست، اسطوره شناس برجسته مشهدی، به‌عنوان مشهورترین چهره فرهنگی متولد کوچه ساربان‌ها یاد کرد.

ایران نامه

با سیاس از همه وکلایی که برای احقاق حق و عدالت می‌کوشند

روایت شه‌دوست جدید، میرزای ناظر قدیم



شیرین سیدی برابر تقویم‌ها امروز ۱۷ اسفند، روز وکیل مدافع است، عنوانی که نشان نخستین آن را می‌توان در یونان قدیم پیدا کرد. با این‌همه، در ایران قدیم یا بهتر است بگوییم ایران پیش از مشروطه و تأسیس عدالت‌خانه نیز، کار وکالت به‌دست مجتهدان و مراجع شرع انجام می‌شده است، ولی پس از آن، با ورود قوانینی که البته شرع اسلام در آن‌ها درنظر گرفته شده بود، تحولات بسیاری در نظام داد‌خواهی ایران رخ می‌دهد. یکی از این تغییر و تحول‌ها که سه سال پس از مشروطه به‌همت حسن پیرنیا(۱) صورت می‌گیرد، تشکیل «کمسیون تنقیح قوانین» است. از قراری که نوشته‌اند، وظیفه این کمسیون، ترجمه قوانین کشورهای خارجی و تهیه دستورالعمل‌های اداره مدعی عمومی بوده است. باتصویب قانون محاکمات حقوقی نیز قانون اصول تشکیلات عدلیه، نخستین مقررات قانونی در باب وکالت دعاوی، تدوین و تصویب می‌شود و برای اولین بار عبارت «وکلا رسمی» به قانون راه می‌یابد و در ادامه نیز، باتشویق و همکاری علی اکبردور در سال۱۳۰۹ خورشیدی، کانون وکلای عدلیه رسماً افتتاح می‌شود و قانون وکالت نیز در شهریور۱۳۱۴ مشتمل بر ۵۵ ماده به تصویب می‌رسد.

به‌طورکلی سیر قانون‌گذاری در باب امور صنفی وکلای دادگستری، از دوران تأسیس دادگستری مدرن به بعد، از وابستگی به‌سمت استقلال جریان داشته است تااینکه در سال ۱۳۳۱ خورشیدی و در زمان نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، لایحه پیشنهادشده کانون وکلایا اصلاحاتی، در قالب «لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری» به امضای رئیس دولت می‌رسد.

در مشهد اما برابر آنچه اخبار جراید و سیاهه اسناد نشان می‌دهد، نخستین حضور پررنگ وکلاد در زندگی مردم مشهد را باید در حوالی سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ خورشیدی هم‌زمان با افتتاح اداره اسناد دید. درواقع، پس از افتتاح این اداره و دعوت حکومت وقت از مردم برای ثبت اراضی و املاک خود، بازار کار وکلاداغ می‌شود تا به آن دسته‌از مشهدی‌هایی که روند قانونی این کار را نمی‌دانستند، کمک کنند برای اراضی و املاکشان بنجاق بگیرند.

در همین دوران، بسیاری از وکلاد در کنار مردم ایستادند و به‌دنبال حق‌خواهی از آنان بودند، اما وکلایی هم پیدا می‌شدند که از نام و اعتبار خود سوءاستفاده و وکیل بودن خویش رااسبایی برای نزدیکی به‌دربار می‌کردند. در یکی از همین نمونه‌ها، روزنامه‌آرادی در ۱۷ اسفند ۱۳۲۰ خورشیدی، یعنی درست در دورانی که ایران در آتش جنگ جهانی دوم می‌سوخت، شکایت یکی از خوانندگانش از یکی از وکلای مشهد را چنین نقل می‌کند: «آقای مدیر! چند روز پیش که روزنامه بی‌همتای ناهید را می‌خواندم، با مقاله‌ای مصادف (روبه‌رو) شدم که در آن راجع به عید... شه‌دوست داد سخن داده بود. لذت بردم و ضمناً تعجب کردم که حالا دیگر چرا روزنامه‌های خراسان راجع به این جنم‌ها چیز نمی‌نویسند، سوابق و لواحق آن‌ها را حلاجی نمی‌کنند. دیگر آن دوره‌ای که این قبیل عناصر به‌واسطه ارتباط با دربار سابق، به دوش مردم سوار شده و هرکار دلشان بخواهد بکنند، گذشته است».

گویا جنب‌شده‌دوست که وکیل درگز و کلات بوده، چند سال پیش از این و در دوران ممنوعیت عزاداری محرم توسط رضاخان، برای خود شیرینی، یکی از مراسم عزاداری در مشهد را به‌هم می‌زند و چندی بعد هم به‌سراغ آستان قدس رضوی می‌رود و بااین ادعا که پول آستانه مال مردم است و باید پس گرفته شود... بلوایی به راه می‌اندازد. او بعدها به‌دلیل چهره منفورش، از مشهد طرد و راهی تهران می‌شود؛ «خوشمزه اینجاست که این ارباب آن قدر خودش را گم کرده است که خیال می‌کند واقعا وکیل مردم درج و کلات است و حقیقتاً حیثیت ملی دارد و این را فراموش کرده است که اگر مردم جای دگر او را نشناسند، اقلاً مشهدی‌هایی که در تهران هستند، او را می‌شناسند و به‌سواد و معلومات و حیثیات اجتماعی او آگاه هستند و وزن او را در نظر مردم می‌دانند و هنوز شهرت سوءمهماتی (اتهامات) او که در عاشورای چند سال پیش کرده بود، از خاطرها محو نشده است. همین چند ماه پیش بود که این آدم به مشهد آمد و جمعی را دعوت کرده بود که دیگر آن دوره‌ها گذشت، بریزید، آستانه را بگیرید، املاک آستانه را تصرف کنید، اداره کنید، این‌ها مال ماست، مال شماس‌ت، دولت چیست، شرکت فلاح‌ت کیست و... البته چون همه او را می‌شناختند که در چه پایه‌ها و مایه هست، هیچ‌کس به حرف‌ها و شات وشوت و تحریکات مفسدت آمیز او گوش نداد و چندی که در مشهد ماند و دید حنای او خیلی بی‌رنگ است، به تهران برگشت و به‌تصور اینکه ممکن است مقام نظارت آستانه را اشغال کند، به هر دری زده و به‌هرجا دویده و از قضا همان‌طور که در سر قضیه تذکره و در ملاقات با مدیرکل وزارت دارایی بد آورد، در تعقیب از آقای نخست‌وزیر هم، چنان که خبر داریم و «ناهِید» هم نوشته است، بورا صایع شده و نتوانسته به‌منظور خود نائل گردد. عجب‌که این آدم تا بیض از واقعه شهریور (منظور اشغال ایران توسط متفقین است) نت‌هنا شاه سابق را به مقام الوهیت رسانده بود و به‌هرجا می‌رسید و هرچه می‌گفت، جز اظهار بستگی به دربار سابق مطلبی نمی‌گفت، بلکه برای تمام کارکنان محلی سابق نیز مقام فوق‌بشری قائل بود و اکنون با کمال وقاحت، دوره سابق را دوره شاه وزوزک می‌خواند و خود را جزو وکلای ملی می‌داند.

روزنامه آزادی در پاسخ به نامه این خواننده نیز خیلی سربسته چنین می‌نویسد: «جراید محلی غالباً مسائل عمده‌تری دارند که به معرفی شه‌دوست نمی‌توانند بپردازند؛ زیرا این قبیل اشخاص، رفتارشان معرف آن‌ها خواهد بوده و خواهد بود. برخی اشخاص در زندگی مقام برادر حاتم را دارند، چون قابلیت کسب شهرت را به وسیله فضایل و بزرگی و خدمتگزاری به خلق نمی‌توانند به‌دست آورند و به‌طریق معکوس به‌دست می‌آورند. اعمال این قبیل مردم، معرف آن‌هاست و محتاج (احتیاج) نیست که در روزنامه نام آن‌ها نوشته شود».

۱)؛مشیرالدوله وزیر که تحصیل کرده علم حقوق در روسیه آن زمان بود.

شهریار

شماره ۱۲۰۲
۷ اسفند ۱۴۰۲
۱۶ شعبان ۱۴۴۵
شماره ۲۷۵

۱۵



تاریخ و هویت